

## عنوان مقاله : رابطه شخصیت معلم با شغل آن

حسین عبدی

کارشناسی ارشد فیزیولوژی، دانشگاه آزاد اسلامی لامرد ، ایران .

[hoseinabdi555@gmail.com](mailto:hoseinabdi555@gmail.com)

حسین خیر

کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی بندرعباس ، ایران .

[hosinkhayer7@gmail.com](mailto:hosinkhayer7@gmail.com)

عیسی عبدی

کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی بندرعباس ، ایران .

[eisa.abdii1777@gmail.com](mailto:eisa.abdii1777@gmail.com)

موسی عبدی

کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان شهید بهشتی بندرعباس ، ایران .

[mosaabdi77@gmail.com](mailto:mosaabdi77@gmail.com)

1

### چکیده

معلمان اغلب همانطور رفتار می کنند که معلمانشان با آنها رفتار می کردند و این کار اشتباه است. اگر این رفتار ادامه داشته باشد، دانش آموزان به صورت انفعالی تربیت می شوند و معلمان باید این را بدانند که اگر واقعاً خیر و صلاح دانش آموزان را می خواهند؛ به جای اینکه به آنها ماهی بدهند، ماهی گیری را یادشان بدهند و یا به تعبیر دیگر از شهید مطهری: (من ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را به من آموخت، نه اندیشه ها را). مطالعات نشان می دهد که برنامه های آموزشی فعلی در پرورش اندیشیدن، پرسشگری و درست انتقاد کردن کارایی مطلوبی ندارند. یکی از عادت های نامناسب نظام آموزشی ما، در فرایند یاددهی-یادگیری تکیه بیش از حد بر تکرار اطلاعات و انباشتن آنها در حافظه می باشد. از این منظر، دانشجوی موفق فردی است که رفتار و عملکردش جامعه پسند و قابل پیش بینی باشد و نمره های بالایی در واحد های درسی کسب کند. این فرایند یادگیری است که برای حفظ سیستم موجود و بازسازی شیوه ی متداول زندگی، طرح ریزی شده و نیازهای ثابت و مشخصی را پاسخگو می باشد.

واژگان کلیدی: شخصیت ، دانش آموز ، شغل ، معلم ، مهارت .

## مقدمه

معلمان، به جای افزایش انگیزه یادگیری در دانش آموزان، اغلب صرف آرام ساختن و منضبط نگه داشتن کلاس می شود. هر کاری که تقریباً معلمان در کلاس انجام می دهند، از جمله نحوه ارائه اطلاعات، نوع تمرینهای مورد استفاده، شیوه تعامل با دانش آموزان و فرصتهایی که به دانش آموزان برای تمرین انفرادی یا گروهی، اثر انگیزشی بر روی دانش آموزان دارد. دانش آموزان بر اساس اینکه شما (چه کسی) هستید، (چه کاری) انجام می دهید و با توجه به میزان آرامشی که در کلاس شما احساس می کنند، به شما واکنش نشان می دهند. با وجود این اثرات انگیزشی متعدد، معلمان ابزار کمی برای درک انگیزش و نحوه افزایش آن در دانش آموزان خود دارند (ابراهیمی قوام، ۱۳۸۲).

منظور از انگیزش و نشاط شایستگی آن است که افراد بر انگیزخته می شوند تا با محیط خود به طور موثر برخورد کنند، بر دنیای خود مسلط شوند و اطلاعات به طور موثر پردازش نمایند. مردم این کارها را از آن جهت انجام نمی دهند که نیازهای زیستی شان را ارضاء کنند، بلکه به این سبب به این کارها دست می زنند که برای تعامل موثر با محیط دارای انگیزش و نشاط درونی هستند. برای شناختگرایان انگیزش و نشاط درونی مهمتر از انگیزش و نشاط بیرونی است. انگیزش و نشاط بیرونی از پاداش بیرونی سرچشمه می گیرد، در حالی که منشا پاداش در انگیزش و نشاط درونی در کاری که انجام می گیرد نهفته است.

به سخن دیگر انگیزش و نشاط بیرونی انگیزش و نشاطی است که به وسیله عوامل خارج از فرد و خارج از کاری که انجام می گیرد بر انگیزخته می شود، مانند پاداش و تنبیه، در حالی که انگیزش و نشاط درونی به کاری که انجام می گیرد وابسته است، مانند اشتیاق فرد برای انجام آن کار (ذوفن، ۱۳۷۷). عناصر و عوامل تشکیل دهنده در محیط های آموزشی (معلم، شیوه ارزشیابی، تجارب یادگیری، تکالیف و...) از طریق تأثیر بر ادراک دانش آموزان از محیط کلاس، مواد و موضوع های درسی بر نگرش آن ها پیرامون تحصیل و پیشرفت تحصیلی تأثیر می گذارند. منظور از محیط در مباحث آموزشی، فضا، صدا، لحن و جوی است که بر یک محیط خاص حاکم است. محیط کلاس نقش حیاتی و نیرومندی در عملکرد تحصیلی، روانشناختی و رفتاری دانش آموزان به عهده دارد. محیط کلاس را به صورت بافت های اجتماعی، روانشناختی، و آموزشی که در آنها یادگیری رخ میدهد و بر نگرش ها و پیشرفت دانش آموز تأثیر می گذارد، تعریف کرده است. منظور از ادراک دانش آموزان از محیط کلاس، ادراک یا برداشتی است که دانش آموز از ویژگی های مختلف روانی- اجتماعی کلاس خود دارد. جو روانشناختی محیط یادگیری کلاس و ویژگی های بافتی و اجتماعی و حمایت معلم تأثیرات معناداری بر رفتارهای یادگیری دانش آموزان، جهت گیری هدف آن ها، باورهای مربوط به خود، اسناد علی، کاربرد راهبردها، انگیزش تحصیلی و اجتماعی، عملکرد هیجانی، درگیری یا تکالیف، ارزش های تحصیلی و پیشرفت تحصیلی آنان دارد (حاجی تبار فیروز جانی، محسن، ۱۳۹۸). یادگیری بخش مرکزی زندگی هر فرد است، حتی زمانی که به آن فکر نمی کند نیز اتفاق می افتد و از آن جایی که رفتار نیز در خلا رخ نمیدهد، لذا راه های گوناگون رفتار، مرتبط با محیط کالبدی است. از این رو فضاهای آموزشی به یک فضای آموزشی مطلوب نیازمند است تا با ایجاد رضایت از فضای آموزشی در دانش آموزان، راندمان یادگیری و رضایت تحصیلی آن ها را افزایش دهند. از مهم ترین عوامل موثر بر رضایت دانش آموزان از محیط آموزشی عوامل محیطی و عوامل روانشناختی محیط آموزشی هستند. عوامل محیطی نظیر نور، رنگ، مبلمان، فضای سبز، فرم بنا و... بر رضایت کودکان از محیط تأثیر می گذارد و در نتیجه میزان یادگیری و سطح بازدهی دانش آموزان را افزایش می دهد و کودکان در محیطی که احساس کنند شکوفا می شوند احساس مطلوبیت و راحتی می کنند (یوسفی فر، ۱۳۹۷).

پژوهش رابطه مثبت معنی داری را بین احساس خودکارآمدی و عملکرد نشان می دهد. آموزگاران که از درجه بالایی احساس خودکارآمدی در توانایی در تدریس برخوردارند، فرصت های بیش تری را برای پیشرفت کردن دانش آموزان خود در سطح عالی فراهم می کنند. احساس کارایی در دانش آموزان نیز با انگیزش، میزان تلاش و استقامت در موقعیت کلاسی رابطه مثبت دارد. بندورا همچنین دریافت که مدارس، احساس کارایی را در دانش آموزان خود به شیوه ی متفاوتی القاء می کنند. در مدارس که دانش آموزان با پیشرفت بالا داشتند، مدیران بیش تر به فکر آموزش بودند تا وضع کردن خط مشی ها و مقررات و آموزگاران

انتظارات بالایی از دانش آموزان پیشرفت زیاد داشتند و معیارهای بالایی را برای آن ها تعیین می کردند، در مدرسی که دانش آموزان پیشرفت کمی داشتند، مدیران بیش تر نقش مجری و برقرارکننده نظم را داشتند تا مربی، آموزگاران از دانش آموزان خود انتظار عملکرد تحصیلی کم تری داشتند (اکبرزاده، ۱۳۸۳).

روش تدریس را می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: روش های تدریس فعال و روش های تدریس غیرفعال در روش تدریس غیرفعال، فقط معلم نقش فعالی را در جریان تدریس به عهده دارد و مطالبی را که از قبل تعیین شده است به طور شفاهی در کلاس بیان می کند و کودکان در این میان واکنش چندانی از خود نشان نمی دهند. بنابراین خلاقیت فقط جای اندکی در آموزش سنتی دارد، زیرا در آموزش سنتی کسب مهارت خواندن و نوشتن مهم است و ارائه مفاهیم به صورت شفاهی از طرف معلم و تکرار و حفظ کردن و پس دادن مطالب توسط شاگردان انجام می شود. بدین ترتیب ذهن شاگردان با جزئیات شتاب زده و نامربوط انباشته می شود و آن ها از یادگیری مطالب مهم درسی و قابل فهم محروم می گردند و تلاشی برای پاسخ های چالش انگیز وجود ندارد. شیوه های آموزش سنتی کودکان را با روش های شناختی که مرتبط با دنیای فردا است همراه نمی کند و چنین تدریس نامناسبی همراه با عدم طرح موضوعات بحث برانگیز، محیط آموزشی ملالت آوری را ایجاد می کند. در نتیجه باعث عدم کنجکاوی و سؤال و مشارکت از جانب کودک می شود (بنی عقیل، ۱۳۸۷).

درک حساسیت نقش معلمان در فرایند تعلیم و تربیت از سوی عموم مردم جامعه و ارزش نهادن بر آن به مفهومی اشاره دارد که در جامعه شناسی معادل منزلت و آسیب های اجتماعی است. آسیب های اجتماعی، ارزشی است که یک گروه به یک نقش می دهد (آریانپور، ۱۳۵۶).

در این تحقیق بحث ما نقش معلمان و ارزشی است که جامعه برای آن قائل می شود. یکی از عوامل مهم در ایفای شایسته نقش معلمان انگیزه قوی آنهاست (رامانادان، ۱۹۹۶)، و از عوامل مهم در برانگیخته شدن انگیزه و ایجاد رغبت شغلی معلمان این است که معلمان از آسیب های اجتماعی بالایی برخوردار باشند. با این وجود شواهد و تحقیقات پیشین که توسط شهین بهمنی در سال ۱۳۸۰، برزگر و نویدی در سال ۱۳۸۰، راضیه نوری در سال ۱۳۷۵ و ... نشان می دهد که منزلت اجتماعی معلمان در جامعه ما بسیار پایین است. این یک واقعیت است که فارغ التحصیلان پسر تمایل کمتری برای ورود به حرفه معلمی نشان می دهند و در بعضی کشورها معلمی بیشتر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می شود (مختاری، ۱۳۷۲).

پژوهش ها نشان می دهد که یادگیری مفاهیم، در شرایطی رخ می دهد که کودکان انگیزه پیدا کرده و به طرف مطلب جدید جذب شوند. شیوه های نوین تدریس در آموزش و پرورش کمک می کند که کودکان به کارهای نو دست بزنند و باهر موضوعی خلاقانه برخورد کنند. در نظام های آموزشی نیز تاکید عمده بر پرورش خلاقیت کودکان است. خلاقیت برای بقای هر جامعه ای لازم است و برای ایجاد و تداوم آن در افراد، بایستی عادت به تفکر را در آن ها ایجاد کرد چرا که خلاقیت با تفکر به وجود می آید. یکی از هدف های مهم در محیط پرتلاطم و متغیر کنونی، آموختن شیوه های خلاقیت و نوآوری است و یکی از الگوهای تدریس که باعث پرورش ظرفیت مشکل گشایی کودکان و هدایت آن ها به بیان خلاق می شود پرورش خلاقیت است. روش تدریس هنر از جمله روش های پرورش خلاقیت محسوب می شود که به وسیله ویلیام جی. جی. گوردون و همکارانش (۱۹۶۱)، ابداع گردید.

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از سازه هایی است که از دیرباز مورد توجه بوده و تحقیقات بسیاری را به خود اختصاص داده است. متخصصین تعلیم و تربیت همواره کوشیده اند شرایطی را فراهم نمایند تا محصلین بیشترین کارایی تحصیلی را از خود نشان دهند. امروزه مهم ترین نقش مدارس این است که دانش آموزان را در پیشرفت تحصیلی یاری نماید. به طور کلی پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده توسط فرد در موضوعات آموزشی می دانند که به وسیله آزمون های استاندارد شده، اندازه گیری می شود. شرفت تحصیلی گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود با توجه به عالی ترین معیارها، تالش برای موفقیت در عملکرد و برخورداری از توانایی که با موفقیت در عملکرد همراه است (صفری زاده و علیدادی، ۱۳۹۹).

شوارز و کلور (۱۹۹۸) بیان می کنند که مردم احساساتشان را به عنوان اطلاعاتی برای ارزیابی و قضاوت به کار می گیرند؛ بنابراین، ارزیابی منفی باعث نابسامانی های روانی و عملکرد ناصحیح می شود. به همین سبب، تغییرات احساسی و عاطفی ممکن است در ارزیابی و شناخت تغییر ایجاد کند. در واقع، هیجان ها داده هایی درونی هستند که بر انگیزه ها، رفتار و عملکرد تأثیر می گذارند

و حتی ممکن است مقدم بر شناخت نیز باشند و بر دامنه‌ای از پردازش‌های شناختی شامل سوگیری توجه، سوگیری حافظه (ولز و متیوس، ۱۹۹۴)، قضاوت و ارزیابی و تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند.

برای اینکه مفهوم پیشرفت تحصیلی روشن شود، ابتدا باید مفهوم افت تحصیلی که واژه‌های در مقابل آن به شمار می‌آید، روشن گردد. افت تحصیلی، افت عملکرد تحصیلی و درسی دانش‌آموزان و دانشجویان از سطحی رضایت بخش به سطحی نامطلوب است. روشن است که افت تحصیلی فقط در مردودی و یا تجدیدی خلاصه نمی‌شود و در هر دانش‌آموز یا دانشجویی که یادگیری‌های او کمتر از توان و استعداد بالقوه و حد انتظار باشد صدق می‌کند؛ بنابراین حتی دانش‌آموزان تیزهوش نیز ممکن است دچار افت تحصیلی گردند (صفری زاده و علیدادی، ۱۳۹۹).

به همین سبب، به نظر می‌رسد که باورهای فراشناختی هر فرد می‌تواند تأثیرات مهمی بر احساسات، سرخوشی و پیشرفت تحصیلی او داشته باشد. در این پژوهش سعی شده است ارتباط بین این دو مؤلفه مشخص شود. در نظریه‌های موسوم به هدف نهایی، اعتقاد بر این است که پیشرفت تحصیلی موقعی به دست می‌آید که افراد، به اهداف مبتنی بر ارزش‌ها و نیازهای خود جامه عمل بپوشانند. افرادی که اهدافشان را مهم‌تر و احتمال موفقیت و رسیدن به آن‌ها را بیشتر در نظر می‌گیرند، احساس پیشرفت تحصیلی و خوشبختی بیشتری خواهند کرد؛ در حالی که افراد دارای پیشرفت تحصیلی اندک، غرض‌ورزی بیشتری در هدف‌هایشان احساس می‌کنند (داینر و همکاران، ۲۰۰۲).

انگیزش و نشاط برای یادگیری موضوعی است که در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اما مطالعات اندکی در حوزه انگیزش و نشاط برای یادگیری صورت گرفته است. فرآیند های کنترل اولیه معطوف به تغییرات جهان به سوی کنترل محیط مطابق خواست فرد است. در مقابل، فرآیند های کنترل ثانویه معطوف به تغییر خود مطابق مسیر نیروی های محیطی است. این دو فرآیند با همدیگر به بهینه سازی حس فرد از کنترل، حتی زمانی که شرایط، ظرفیت فرد برای کنترل را محدود می‌کنند می‌پردازند. انگیزش و نشاط افراد در سراسر عمر خود وابسته به توسعه تطبیقی میزان کنترل خود از محیط است. تلاش انسان در سراسر عمر در جهت، تامین غذا، سرپناه، جفت یا همسر، مراقبت از فرزند و سلامتی است. این عوامل، مولفه های کنترل اولیه محسوب می‌شوند. در واقع می‌توان گفت مولفه های کنترل اولیه متناسب با سطح اول و دوم هرم مازلو است. با تامین این نیازها و زوال کنترل اولیه، کنترل ثانویه در دوره های بعدی زندگی انسان بروز می‌کند و انگیزش و نشاط فرد را برای ادامه زندگی را تقویت می‌کند. توجه به کار، خانواده، تفریحات و آگاهی از مولفه های کنترل ثانویه است. فرد برای حفظ این مولفه های انگیزش و نشاط لازم برای فعال بودن و آموزش را تا پایان عمر حفظ می‌کند. این دیدگاه، دیدگاهی رفتارگرایانه در باره انگیزش و نشاط انسان به یادگیری است و در قالب تئوری کنترل منتج شده از رویکرد رفتاری عمل می‌کند (ساعتچی، ۱۳۷۴).

نحوه درک فرد از دلایل موفقیت و شکست هایش منبع اصلی انگیزش و نشاط است. با توجه به اینکه موفقیت هر مدرس به میزان انگیزش و نشاط یادگیری فراگیران بستگی دارد پس در برنامه‌ریزی نوین آموزشی باید سعی مدرسین بر این باشد که از روش های موثر برانگیختن دانشجویان برای یادگیری مطلع بوده و آنها را بکار گیرند. یکی از وظایف اصلی مدرسان ایجاد انگیزش و نشاط لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روش های نوین مراقبتی است. لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در انگیزش و نشاط دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد. هر یک از رویکردهای روانشناسی، دیدگاه ها و نقطه نظرهای خاصی در مورد انگیزش و نشاط و عوامل مؤثر بر آن دارند. به همین دلیل به نظر میرسد که وجود دیدگاهی جامع تر منوط به این است که عوامل مختلف روانشناختی و حتی مسائل جامعه شناختی مؤثر بر انگیزش و نشاط تحصیلی دانش آموزان مورد توجه و بررسی قرار گیرد. بر همین اساس در پژوهش حاضر سعی شد که با رعایت نوعی جامع نگری، رابطه چهار دسته از عوامل فردی، خانوادگی، آموزشگاهی و اجتماعی با انگیزش و نشاط تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد. در راستای این هدف فرضیه های اصلی و جانبی مختلفی مطرح شد. بررسی پیشینه پژوهشی و بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات زیادی در مورد عوامل مؤثر بر عملکرد تربیتی و عملکرد آموزشی انجام شده است و رابطه متغیرهای زیادی با عملکرد تربیتی و آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است (موسوی نسب، ۱۳۸۸)؛ اما در زمینه نقش شبکه های اجتماعی در عملکرد آموزشی و تربیتی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی تحقیقات محدودی انجام گرفته است. همچنین بررسی این پژوهش در جامعه مورد

مطالعه نیز جدید و نو است. داده امروزه نظام آموزشی به عنوان یک ابزار مهم و اساسی در رشد و توسعه همه جانبه کشورها شناخته میشود، بنابراین، رشد، تحول، اصلاح و بهبود کمی و کیفی آن، از جمله مباحث بسیار مهم هر کشوری است دوره ابتدایی از جمله مهم ترین دوره های نظام آموزشی است زیرا زمینه شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه افراد در آن فراهم گردیده و مناسبترین فرصت برای تحصیل و یادگیری و رشد استعدادهای کودک است اگر کودکان در این سن، مهارتهای لازم را نیاموزند، فرصت جبران آن در مراحل بعدی رشد بسیار مشکل خواهد بود (بحرینی بروجنی، ۱۳۹۳).

آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می دهد که همه این کشورها، آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی داشته اند. همچنین در هر نظام آموزشی، عوامل بسیاری با یکدیگر عمل می کنند تا یادگیری و پیشرفت تحصیلی برای دانش آموزان حاصل گردد. هر قسمت از این نظام باید به گونه ای آماده شود که دسترسی به بازده مطلوب و اهداف مورد نظر میسر شود، زیرا اگر جزئی از نظام از کار باز ایستد، کارایی اجزای دیگر نظام کاهش یافته و صدمه خواهد دید. علاوه بر انگیزش و نشاط پیشرفت، اصطلاح انگیزش و نشاط اجتناب از شکست نیز مطرح شده است انگیزش و نشاط اجتناب از شکست به گرایش فرد برای دوری گزیدن از شرمساری یا تحقیر وابسته به شکست گفته می شود. افرادی که در آنها انگیزش و نشاط اجتناب از شکست نیرومند است موقعیت هایی را ترجیح می دهند که در آنها نتیجه کار معلوم است و از بودن در موقعیتهای که در آنها نتیجه کار معلوم نیست مضطرب می شوند. لذا این افراد از درگیری با تکالیف چالش برانگیز می گریزند. یکی دیگر از تفاوت های میان افراد دارای انگیزش و نشاط پیشرفت و افراد دارای انگیزش و نشاط اجتناب از شکست پیشکار و اصرار افراد گروه اول در کسب موفقیت است. یعنی اینکه وقتی افراد دارای انگیزش و نشاط پیشرفت قوی در رسیدن به هدف هایشان شکست می خورند با جدیت بیشتری به ادامه کار می پردازند. در مقابل افراد دارای اجتناب از شکست از کار دست می کشند. پژوهش های انجام شده نشان داده اند که انگیزش و نشاط اجتناب از شکست با انگیزش و نشاط پیشرفت رابطه منفی دارد (آشتیانی، هادی، ۱۳۸۴).

مطالب آموزش داده شده باید به صورت کاربردی در زندگی روزمره قابل استفاده باشد. لذا برای رسیدن به این مقصود استفاده از وسایل کمک آموزشی بسیار مهم است زیرا تدریسی که حتی الامکان حواس بیشتری را در یادگیری جلب نماید موفق تر است. استفاده از وسایل کمک آموزشی می تواند نقش بسیار ارزنده ای در جلوگیری از افت تحصیلی و یادگیری مطالب درسی ایفا کند. فناوری اطلاعات و کاربرد آن امروزه آنچنان گسترش یافته است که می توان به جرأت گفت که جدا کردن آن از آموزش نوین محال می باشد و استفاده از وسائل در آموزش این امکان را به معلم می دهد که با اطمینان و آسودگی بیشتر به تدریس مفاهیم علمی و عملی بپردازد. بسیاری از کارکردهای آموزش می توانند با رسانه های آموزشی گوناگون حاصل شوند. در این زمینه گفته است که استفاده از فناوری اطلاعات در امر تدریس به مثابه استفاده از قایق برای رد شدن از دریا بوده و بیان این نظریه اهمیت استفاده از ابزار فناوری اطلاعات را نشان می دهد. فناوری اطلاعات آموزشی به معنای اعم چیز تازه ای نیست و قدمت آن را میتوان همزمان با قدمت تعلیم و تربیت دانست. اما فناوری اطلاعات آموزشی به معنای خاص آن شاید کمتر از یک قرن است که مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت غربی قرار گرفته است. متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که توسعه داخلی فناوری اطلاعات آموزشی ابزارهای آموزشی بعد از سال های ۱۸۰۰ میلادی شروع شد و از این تاریخ بود که مواد و وسایل آموزشی یکی پس از دیگری ابداع شدند و در امر آموزش مورد استفاده قرار گرفتند. در سال ۱۹۰۰ در آمریکا اصطلاحاتی از قبیل وسایل دیداری، شنیداری و وسایل کمک آموزشی وارد جریان آموزش و پرورش شد. و تقریباً در حدود سال ۱۹۵۰ به بعد روانشناسان استفاده از روشهای مختلف ارائه دانش یعنی استفاده از فناوری اطلاعات آموزشی را به عنوان یک تکنیک یا روش در امر آموزش فراگیران مطرح کردند اما همچنان استفاده از ابزارهای آموزشی شدیداً مورد توجه قرار داشت. امروزه منظور روش طراحی، اجرا و ارزشیابی کل فرایند تدریس و یادگیری است نه به کارگیری وسایل و ابزارهای دیداری شنیداری در امر آموزش (احدیان، رمضانی و محمدی، ۱۳۷۸).

انگیزه لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارتهای تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روش های نوین مراقبتی است. فرآیند های کنترل اولیه معطوف به تغییرات جهان به سوی کنترل محیط مطابق خواست فرد است. در مقابل، فرآیند های کنترل ثانویه معطوف به تغییر خود مطابق مسیر نیروی های محیطی است. این دو فرآیند با همدیگر به بهینه سازی حس فرد از کنترل، حتی زمانی که شرایط، ظرفیت فرد برای کنترل را محدود می

کنند می پردازند. انگیزه و علاقه و نشاط افراد در سراسر عمر خود وابسته به توسعه تطبیقی میزان کنترل خود از محیط است. تلاش انسان در سراسر عمر در جهت، تامین غذا، سرپناه، جفت یا همسر، مراقبت از فرزند و سلامتی است. این عوامل، مولفه های کنترل اولیه محسوب می شوند. در واقع می توان گفت مولفه های کنترل اولیه متناسب با سطح اول و دوم هرم مازلو است. با تامین این نیازها و زوال کنترل اولیه، کنترل ثانویه در دوره های بعدی زندگی انسان بروز می کند و انگیزه و علاقه و نشاط فرد را برای ادامه زندگی را تقویت می کند. توجه به کار، خانواده، تفریحات و آگاهی از مولفه های کنترل ثانویه است. فرد برای حفظ این مولفه های انگیزه و علاقه و نشاط لازم برای فعال بودن و آموزش را تا پایان عمر حفظ می کند. این دیدگاه، دیدگاهی رفتارگرایانه در باره انگیزه و علاقه و نشاط انسان به یادگیری است و در قالب تئوری کنترل منتج شده از رویکرد رفتاری عمل می کند. این دیدگاه به درک دقیقی از انگیزه و علاقه و نشاط انسان به یادگیری نمی انجامد چرا که با پیش فرض رفتارگرایانه نمی توان تحلیل دقیقی در مورد کلیت انسان ارائه دارد از این رو ما به رویکرد های دیگر در حوزه یادگیری و ارتباطشان با انگیزه و علاقه و نشاط انسان برای یادگیری می پردازیم. انگیزش مبحثی بسیار وسیع است که حوزه های علایق، کنجکاو، سلائق، نیازها و حتی حیطه عاطفی را در برمی گیرد. گرچه عامل وراثت و محیط باهوش و غنی سازی محیط آموزشی و بهبود روش های تدریس تا اندازه زیادی در بهبود وضع آموزشی تأثیر داندولی قلب آموزش انگیزش است انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید در حالیکه انگیزه راعلت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند مثلاً وقتی می پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد دنبال انگیزه او هستیم. در واقع انگیزش حالت کلی تمایل به پیشرفت تحصیلی است و انگیزه حالت اختصاصی نسبت به درس خاص می باشد. انگیزش هم هدف است و هم وسیله، بعنوان هدف ماز دانش آموزان و دانشجویان می خواهیم نسبت به موضوع های مختلف علمی و اجتماعی علاقه. کسب کنند از این رو، تمام برنامه های درسی که در آنها فعالیت های حیطه عاطفی ملحوظ شده است دارای هدف انگیزشی هستند بعنوان وسیله انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی، یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تأثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدیهی است (سیدجوادی، ۱۳۸۶).

6

هنگامی که دانش آموزان با علاقه درس می خوانند، فقط به خاطر پاداش بیرونی تکلیف را انجام می دهند دو وقت خود را صرف چیزهایی می کنند که با تکلیف یادگیری مغایر است. معلمان می گویند آنها بی انگیزه اند. همچنین زمانی به نداشتن انگیزش اشاره می شود که دانش آموزان آشکارا از پرداختن به تکلیف یادگیری خودداری می کنند و یا از عهده اعمالی که به آنها کمک می کنند تا به طور موفقیت آمیزی آن را تکمیل کنند بر نمی آیند. به هر حال بارها دیده می شود. دانش آموزان که از لحاظ توانایی و استعداد یادگیری بسیار شبیه به هم هستند در پیشرفت تحصیلی تفاوت های زیادی با این تفاوت نه یکدیگر دارند تنها در یادگیری درس های آموزشگاهی بلکه در سایر فعالیت های غیر تحصیلی نیز به چشم می خورد. این جنبه از رفتار آدمی به حوزه انگیزش در روانشناسی مربوط است و مطمئناً خواهیم بداندیم چگونه علاقه دانش آموزان خود را مخصوصاً آنهایی را که رغبتی به یادگیری. شناسایی مفهوم انگیزش و آگاهی از انگیزه های مختلف به معلم کمک میکند تا در طرح و اجرای برنامه های آموزشی خود روش های بهتری را بکارگیرد. چرا که انگیزش غالباً از یادگیری استنباط معمولاً یادگیری نشانه انگیزش است. بنابراین تعریف، انگیزش عامل فعال ساز رفتار انسانی است انگیزش. بنا بر نظر شانک فرایندی است که رفتار هدفگر از طریق آن راه اندازی و نگهداری می شود انگیزه. اصطلاحی است این با رود که غالباً با انگیزش مترادف بکار می حال می توان انگیزه را دقیق تر از انگیزش بعنوان حالت مشخصی که سبب ایجاد رفتار معین می شود تعریف کرد. انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید در حالیکه انگیزه راعلت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند (شانک، ۱۹۹۰).

معلم در ایجاد موقعیت مناسب یادگیری، قادر به تغییر و کنترل بسیاری از عوامل نیست اما تا حدی می تواند با تعیین هدف های صریح اجرایی و اتخاذ الگو و روش های مناسب تدریس و تهیه و به کارگیری تجهیزات لازم و ایجاد نوعی ارتباط سالم با شاگردانش، کیفیت تدریس خود را دست خوش تغییر و تحول و پیشرفت کند (سیف، ۱۳۸۷). با توجه به دیدگاه های مختلفی که در ارتباط با ضرورت تدریس هنر به ویژه در دوره ابتدایی وجود دارد، اهمیت پرداختن به بحث و پژوهش درباره روش های تدریس هنر در دوره ابتدایی و نقش آن در پرورش شناخت علمی کودکان آشکار می شود (تجری، ۱۳۸۶). اهمیت ثمر بخشی روش های

تدریس و یادگیری بهتر همواره مورد نظر دانشمندان و محققین هنر تربیتی بوده است. تاریخچه مطالعات نشان می‌دهد روش‌های تدریس چه در پیشرفت تحصیلی کودکان و چه در ایجاد انگیزه و رضایت خاطر، پرورش شخصیت و رشد خلاقیت آنان و موثر است. روش‌های تدریس به منزله روشنایی‌های متفاوتی هستند که هر کدام بردشان تا شعاع خاص را دربرمی‌گیرند. البته باید اذعان نمود که هر یک از روش‌ها در ارتباط با موقعیت‌های مختلف از کار آیی ویژه‌ای برخوردار هستند، به عبارت دیگر هر یک در جای خویش مثمر ثمر هستند. (قورچیان، ۱۳۷۷). امروزه شیوه‌های نوین و فعال تدریس توجه مسئولان و دبیران را به خود جلب کرده است. در این شیوه‌ها فراگیر و علایق و توانمندی‌های او در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش می‌کند تا توانایی‌های فراگیران را در مهارت‌های گوش دادن گفتن، خواندن، نوشتن، استدلال، مقایسه، تطبیق، تجزیه و تحلیل، سازندگی و خلاقیت تقویت کند و با توجه به این موضوع محتوای درسی را در کلاس‌های درسی ارائه می‌دهد (شریفی و همکاران، ۱۳۸۷).

### بحث و نتیجه‌گیری

موقعیت یادگیری و محیط آن از عوامل بسیار مهم در یادگیری است. محیط یادگیری ممکن است ۱- عاطفی باشد ۲- مربوط به نیروی انسانی به ویژه معلم و عوامل اجرایی مدرسه باشد ۳- در رابطه با امکانات محیط آموزشی باشد. موقعیت آموزشی توأم با محبت و احترام متقابل نسبت به محیط خشک و تهی از عواطف، تاثیر بیشتری در یادگیری خواهد داشت. برخورداری محیط آموزشی از همه امکانات دانش آموز را به کنجکاوی و تلاش برای یادگیری و حل مسائل ذهنی خود و می‌دارد البته محیط و موقعیت یادگیری باید متناسب با آمادگی، استعداد، نیاز و گرایش دانش آموزان باشد. محیط آموزشی منحصر به فضا نیست معلم در این محیط نقش اساسی دارد تعامل درست معلم و سایر عوامل با دانش آموز می‌تواند محیط را جذاب کند اما نکته حائز اهمیت این است که اگر عوامل اجرایی مدارس با نظریه‌های یادگیری آشنا نباشد و آموزش را تنها انتقال داده علمی به دانش آموز، گوش دادن به حرف معلم و حفظ کردن مطالب بدانند هرگز محیط مناسب و برانگیزاننده‌ای برای یادگیری فراهم نخواهد شد محیط آموزشی باید چنان سازماندهی شود که دانش آموز با انگیزه و تفکر و فرصت تصمیم‌گیری در خصوص چگونگی دستیابی به اهداف آموزشی را داشته باشد (وحیدی و همکاران، ۱۳۹۹).

در بسیاری مواقع شاید این دور از واقعیت نباشد که نه معلم می‌داند محتوایی را چرا باید درس بدهد و نه دانش‌آموز چرایی را انتخاب محتوا را می‌داند نه معلم می‌داند محتوا را به چه روش صحیح و سودمندی تدریس نماید و نه دانش‌آموز چگونه یادگرفتن را می‌داند، معلم صرفاً درس می‌دهد و فراگیران نیز به طور موقتی حفظ می‌کنند، ما فقط یاد گرفته‌ایم درس بدهیم و کودکان نیز آموخته‌اند که تنها حفظ نمایند و چون و چرا مطالب را از ما بپذیرند (سبحانی نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). آیا معلم به طور معمول، پیش از تدریس ارزیابی می‌کند که هدف از تدریس این مطالب چیست؟ و آیا از خود می‌پرسد این محتوا چگونه باید تدریس شود؟ یا فقط به طور یکنواخت به روش حفظی به یادگیری طوطی‌وار می‌پردازد. متن آموزشی که در اختیار همه قرار دارد، اما چگونگی تدریس مهم است. موفقیت معلم در استفاده از شیوه‌های فعال تدریس است. به اعتقاد محقق، شیوه فرایند یاددهی - یادگیری از خود موضوع درسی مهم‌تر است. کارائی روش‌هایی نظیر سخنرانی، انتقال اطلاعات از معلم به دانش‌آموز و به یادسپاری و تأکید بر محفوظات که شالوده روش‌های سنتی تدریس است مدت‌هاست مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است (حیدری و همکاران، ۱۳۸۸).

معلم، کلیدی‌ترین و موثرترین عامل و عنصر نظام تعلیم و تربیت است؛ به گونه‌ای که توفیق یا شکست برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی این نظام، مستقیم یا غیر مستقیم معطوف به معلمان آن می‌باشد. اهمیت، جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت تا حدی است که می‌توان گفت معلم، کارایی و کفایت او، آیینی تمام‌نمای کفایت و کارایی هر نظام آموزش و پرورش و پرورش می‌باشد و مهم‌ترین وسیله رسیدن جامعه به غایات و هدف‌های آموزش و پرورش، معلم صاحب صلاحیت است (رئوف، ۱۳۷۹؛ تقی‌پور ظهیر، ۱۳۸۱). باید توجه داشت که هر دانش‌آموز نسخه‌ی بی‌نظیر عالم خلقت است، پس داشتن نگاهی موشکافانه به شخصیت و منش دانش‌آموزان سبب می‌شود که هر یک را همچون جهانی ناشناخته و نسخه‌ای متفاوت در عالم هستی بدانیم و به تفاوت‌های فردی آنها توجه نماییم. لذا این مهم یکی از اصولی است که هر معلم باید بدان توجه داشته باشد.

مسلط بودن و استفاده از روش های یادگیری مختلف در حین تدریس نیز می تواند در تعمیق یادگیری دانش آموزان موثر باشد. مثلا اگر روش پرسش و پاسخ با طرح پرسش های هنرمندانه، هدفمند، منطقی، واضح و روشن مبتنی بر زمینه های علمی شاگردان، واگرا و برانگیزاننده از سوی معلم همراه شود، می تواند به پرورش و تقویت قدرت تفکر، استدلال و اظهار نظر، تفکر انتقادی، خلاقیت، اعتماد به نفس و انگیزه ی مطالعه و تحقیق در دانش آموزان کمک نماید(جاودانی، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه ها و درجات گوناگون دارد و بر حسب مقدارش، پیش افتادگی و سرعت یا عقب ماندگی وی اندازه گیری می شود (بیابانگرد، به نقل از مرادی، ۱۳۸۷) پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش ها در این نظام در واقع تلاش برای جامه عمل پوشاندن به این امر تلقی می شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (پورشافعی، به نقل از مرادی ۱۳۹۲). خانواده از نهادهای مهم و بنیادی جامعه است که نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد. امری غیر قابل تردید است. اگر چه فرزند از جامعه و اجتماعی، اهمیت خانواده در حکم نهادی ولی بیشتر تحت تاثیر خانواده است. تاثیر خانواده در کودک و نقشه ای مهم همسالان تاثیر می گیرد، آن در جنبه های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و غیره بسیار مهم و عظیم است (قائمی، ۱۳۸۰).

تاثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار میشود و در سراسر زندگی باقی می ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل اثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می دهد که در میان عوامل گوناگونی مؤثر تاثیر متقابل کودک و والدین و که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان مؤثرند. (نوابی نژاد، ۱۳۸۰)

نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهمترین و بنیادین عوامل محسوب میشود هر خانواده شیوهای خاص را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد. این متاثر از عوامل گوناگون مانند عوامل فرهنگی، شیوه ها که شیوه های فرزندپروری نامیده می شوند. ه طور کلی میتوان گفت باورهای فراشناختی و به طور خاص باور فراشناختی کنترل پذیری و خطر از طریق تاثیر بر انتخاب راهبرد مقابلهای و ادراک فرد از تواناییهای خود با تداوم آسیب شناسی روانی ارتباط دارند. به لحاظ کاربرد بالینی این یافته ها نشان میدهد که میتوان به دانش آموزان آموزش داد باورهای فراشناختی خود را تغییر داده و در نتیجه از سلامت عمومی و روانی بیشتری برخوردار شوند. افرادی که به فراگیری علوم در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی موفق می شوند، تقریبا یک پنجم عمر خود را از مقطع ابتدایی تا پایان تحصیلات دانشگاهی در محیط های آموزشی سپری می کنند. از این رو طراحی مناسب این فضاها و رعایت استانداردها و شاخص های کیفی از عوامل مهم و تأثیرگذار در بالا بردن سطح کیفیت فضاهای آموزشی محسوب می شود. طراحی داخلی کلاس ها، رعایت تعداد دانش آموزان متناسب با اندازه کلاس ها، به کاربردن نظارت های صحیح و دیگر ویژگی های فیزیکی محیط، از عوامل مهم در جریان آموزش و از لوازم عمده برای تسهیل فعالیت های آموزشی یاد دهندگان است. که با به کار بردن سیاستی درست در راستای اصلاح فیزیک و کالبد محیط های آموزشی میتوان نتایج مطلوبی در پیشرفت دانش آموزان مشاهده کرد. همچنین متغیرهای فیزیکی، حتی اگر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموز نیز هیچ تأثیری نداشته باشد، باید به خاطر حفظ سلامت، بهداشت و امنیت روانی آنان مورد توجه قرار گیرند.

هدف عمده فعالیت های پرورشی معلم یا مربی این است که دانش آموز به تدریج از انگیزه های بیرونی به سمت انگیزه های درونی هدایت شود. تفاوت اساسی افراد دارای انگیزه درونی با افراد دارای انگیزه بیرونی این است که افراد با انگیزه درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند و کمتر به دیگران اجازه می دهند که محرک رفتارشان شوند. این گروه از دانش آموزان، خود تعیین کننده رفتارها هستند و به خاطر کفایتی که در خود احساس می کنند، باور دارند که می توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند. این گروه از دانش آموزان با انگیزه درون گرا، تصورشان این است که موفقیت و عدم موفقیت در تحصیل به خاطر نحوه رفتار صحیح یا غلط خودشان است و در نتیجه در صورت وجود مانعی در راهشان بر خلاف افراد با انگیزه بیرونی که شکست خود را به عواملی مثل "سوالات سخت" بود یا "معلم از من بدش میاد" نسبت می دهند از حرکت نمی ایستند و خود تلاش می کنند آن موانع را رفع کنند. از آنجایی که انسان آمادگی دارد تا فعالیت ها و تصوراتش را تعمیم دهد، موفقیت در یک درس منجر به



موفقیت در دروس دیگر می‌شود و این موضوع در مورد دروس اصلی هر رشته مهم تر است؛ درواقع، ضعف درسی در این دروس منجر به بی‌علاقگی به تحصیل و گاهی حتی ترک تحصیل می‌شود و البته عکس آن هم صادق است. به همین علت به معلمان دروس اصلی هر رشته توصیه می‌شود، شرایط آموزشی و امتحانی را مطلوب نمایند و با ارزشیابی‌های مناسب فضای کلاس را لذت‌بخش کنند.

نحوه درک فرد از دلایل موفقیت و شکست‌هایش منبع اصلی انگیزش و نشاط است. با توجه به اینکه موفقیت هر مدرس به میزان انگیزش و نشاط یادگیری فراگیران بستگی دارد پس در برنامه‌ریزی نوین آموزشی باید سعی مدرسین بر این باشد که از روشهای موثر برانگیختن دانشجویان برای یادگیری مطلع بوده و آنها را بکار گیرند. یکی از وظایف اصلی مدرسان ایجاد انگیزه و علاقه و نشاط لازم برای یادگیری در دانشجویان به منظور افزایش میزان آگاهی، دانش و مهارت‌های تکنیکی و همچنین آشنا ساختن آنها با علوم پیشرفته و روشهای نوین مراقبتی است. لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در انگیزش و نشاط دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد.

هر یک از رویکردهای روانشناسی، دیدگاه‌ها و نقطه نظرهای خاصی در مورد انگیزه و علاقه و نشاط و عوامل موثر بر آن دارند. لذا با شناخت هرچه بیشتر عوامل موثر در علاقه و انگیزش دانشجویان میتوان مشارکت فعالانه آنها را در یادگیری افزایش داد. مهمترین مؤلفه موثر در نظام آموزش، فرآیند یاددهی-یادگیری است. فرآیند یاددهی-یادگیری، الگوی مواجهه استاد و دانشجو در یک فضای آموزشی به منظور تحقق هدفهای معین است. اساتید در این فرآیند با متغیرهای گوناگونی سروکار دارند و برای تدریس اثربخش و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار دانشجویان نیازمند اطلاعات بیشتر در خصوص چگونگی یاددهی-یادگیری هستند. افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت سطح بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا هستند. حتی پس از آنکه در انجام کاری شکست خوردند، از «دست نمی‌کشند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش ادامه می‌دهند. دانش‌آموزان دارای علاقه و انگیزش پیشرفت بالا همواره می‌خواهند موفق شوند و آن را انتظار می‌کشند و وقتی شکست می‌خورند کوششهای خود را دو برابر می‌کنند و به فعالیت ادامه می‌دهند تا موفق بشوند. واضعان اصلی علاقه و انگیزش پیشرفت هستند. آنها در کتاب معروف خود با عنوان انگیزه پیشرفت نوشتند بعضی افراد بلند پروازانه تر از دیگرانند و برای کسب موفقیت در زندگی می‌کوشند. پژوهشهای انجام شده نشان داده اند که افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت زیاد در انجام کارها، از جمله یادگیری بر افرادی که از این انگیزه بی‌بهره اند پیشی می‌گیرند. در رابطه با اینکه علاقه و انگیزش پیشرفت بالا به موفقیت می‌انجامد یا اینکه موفقیت موجب بالا رفتن سطح علاقه و انگیزش می‌شود پژوهشها نتایج مشخصی به دست نداده اند. آنچه معلوم شده این است که علاقه و انگیزش پیشرفت در ابتدا تحت تاثیر تجارب فرد در خانواده است، اما پس از اینکه دانش‌آموزان چند سالی را در مدرسه کسب تجربه می‌کنند موفقیت و علاقه و انگیزش بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. موفقیت اشتیاق برای موفقیت بیشتر را سبب می‌شود که این به نوبه ی خود موفقیت را به دنبال می‌آورد. در مقابل دانش‌آموزانی که در نتیجه زحمات خود کسب موفقیت نمی‌کنند، علاقه و انگیزش برای موفقیت در آینده را از دست می‌دهند. نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کنیم این است کسب موفقیت در تکالیف آسان برای افراد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت لذت بخش نیست، بلکه کسب توفیق در تکالیف چالش بر انگیز برای این افراد مهم و افتخار آمیز است. همچنین انجام تکالیف بسیار دشوار نیز مورد علاقه ی افراد دارای انگیزه پیشرفت قرار نمی‌گیرد. علت آن است که انجام تکالیف خیلی ساده افتخاری نصیب فرد نمی‌کند و تکالیف بسیار دشوار معمولا به شکست منجر می‌شوند، و این نیز افتخاری نصیب فرد نمی‌سازد. افرادی که دارای علاقه و انگیزش پیشرفت قوی هستند در تکالیفی که دارای درجه دشواری متوسطی هستند توفیق زیادی به دست می‌آورند. یعنی تکالیفی که این افراد در آن حد اکثر جدیت را نشان دهند، تکالیفی هستند که انجام آنها مستلزم قدری خطر کردن است، اینها همان تکالیف چالش بر انگیز هستند. برای یک فرد دارای علاقه و انگیزش پیشرفت قوی، مقدار لذتی که هنگام موفقیت کسب می‌کند به سطح تصویری چالش وابسته است. با افزایش سطح چالش، لذت همراه با موفقیت نیز افزایش می‌یابد (اسلاوین، ۲۰۰۶).

بهترین راه ایجاد علاقه و انگیزش در یادگیرندگان نسبت به یادگیری بهبود شرایط یادگیری و افزایش سطح کیفیت روشهای آموزشی است. از این طریق یادگیرندگان در یادگیری به موفقیت بیشتری می‌رسند و این کسب موفقیت علاقه و علاقه و انگیزش آنها را نسبت به مطالب جدید افزایش می‌دهد. در زیر روش‌ها و فنونی معرفی می‌شوند که استفاده از آنها معلمان را در بالا

بردن سطح علاقه و انگیزش یادگیرندگان یاری می دهد. در تدوین این قسمت از همه نظریه های علاقه و انگیزشی و یافته های پژوهشی مربوط به یادگیری و علاقه و انگیزش استفاده شده است (عبدالعلیان، ۱۳۷۸)

در بسیاری مواقع، تقویت ملموس به اندازه تشویق های کلامی معلم موثر نیست. استفاده از اظهاراتی چون خوب، عالی و آفرین پس از عملکرد درست دانش آموزان تدابیر موثر علاقه و انگیزشی است موثرترین تشویق آن است که به رفتار و عملکرد درست دانش آموز وابسته باشد. ضمناً معلم نباید بیشتر از اندازه لازم دانش آموز را مورد ستایش قرار ندهد. تشویق بیش از حد اثرش را از دست می دهد و از خاصیت تقویت کنندگی آن می کاهد. دریافت کلماتی از یک منبع با ارزش به عنوان علامتی از تحسین برای دانش آموز دلنشین است. تحسین باید از سوی کسی باشد که به نظر دانش آموز آن شخص با ارزش است. اگر دانش آموز نسبت به معلم خود نفرت داشته و نسبت به او بی اعتنا باشد، تعریف و تمجید معلم برای او تحقیر آمیز و بی ارزش خواهد بود. برای اینکه تشویق کلامی معلم موثر باشد او باید مورد علاقه و احترام دانش آموز باشد. دانش آموزان در درس هایی موفقیت بیشتری کسب می کنند که نسبت به آن موضوعات علاقه و انگیزه بیشتری دارند. انگیزه موفقیت در کارها و تحصیل را به وجود می آورد و به همین تناسب، موفقیت بیشتر باعث انگیزه بیشتر برای ادامه کارها و تحصیلات را فراهم می آورد. بنابراین بر معلمان است که در ایجاد و بهبود انگیزه در دانش آموزان تلاش نموده و زمینه های موفقیت بیشتر را برای آنها فراهم نمایند (شاه محمدی، ۱۳۹۳).

انگیزه و علاقه و انگیزش غالباً به طور مترادف به کار می روند. با این حال می توان انگیزه را دقیق تر از علاقه و انگیزش دانست، به این صورت که علاقه و انگیزش را عامل کلی مولد رفتار اما انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار به حساب آورد. اصلاح انگیزه بیشتر در اشاره به رفتار انسان به کار می رود. انگیزه برای مشخص کردن قصد یا بازده دلخواه یک رفتار به کار می رود ... پس اصطلاح انگیزه در مورد حیوانات جایز نیست. هنگامی که انگیزه انسان و انگیزه برای یادگیری را در نظر می گیریم به جای دیدن انگیزه به عنوان سائق ساده، تقویت یا تجلی از رفتارگرایی نشأت گرفته از صفات شخصیتی ثابت، باید انگیزه را صفتی متعالی برشمرد. انگیزه را باید فرایندی دانست که به افکار، احساسات و عمل ما به عنوان گونه ای منحصر به فرد شکل می دهد. (مارتین، ۲۰۱۱)

انگیزه برای یادگیری موضوعی است که در ده های اخیر به طور فزاینده ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. اما مطالعات اندکی در حوزه انگیزه برای یادگیری صورت گرفته است.

فرآیند های کنترل اولیه معطوف به تغییرات جهان به سوی کنترل محیط مطابق خواست فرد است. در مقابل، فرآیند های کنترل ثانویه معطوف به تغییر خود مطابق مسیر نیروی های محیطی است. این دو فرآیند با همدیگر به بهینه سازی حس فرد از کنترل، حتی زمانی که شرایط، ظرفیت فرد برای کنترل را محدود می کنند می پردازند. انگیزه افراد در سراسر عمر خود وابسته به توسعه تطبیقی میزان کنترل خود از محیط است. تلاش انسان در سراسر عمر در جهت، تأمین غذا، سرپناه، جفت یا همسر، مراقبت از فرزند و سلامتی است. این عوامل، مولفه های کنترل اولیه محسوب می شوند. در واقع می توان گفت مولفه های کنترل اولیه متناسب با سطح اول و دوم هرم مازلو است. با تأمین این نیازها و زوال کنترل اولیه، کنترل ثانویه در دوره های بعدی زندگی انسان بروز می کند و انگیزه فرد را برای ادامه زندگی را تقویت می کند. توجه به کار، خانواده، تفریحات و آگاهی از مولفه های کنترل ثانویه است. فرد برای حفظ این مولفه های انگیزه لازم برای فعال بودن و آموزش را تا پایان عمر حفظ می کند. این دیدگاه، دیدگاهی رفتارگرایانه در باره انگیزه انسان به یادگیری است و در قالب تئوری کنترل منتج شده از رویکرد رفتاری عمل می کند.

این دیدگاه به درک دقیقی از انگیزه انسان به یادگیری نمی انجامد چرا که با پیش فرض رفتارگرایانه نمی توان تحلیل دقیقی در مورد کلیت انسان ارائه دارد از این رو ما به رویکرد های دیگر در حوزه یادگیری و ارتباطشان با انگیزه انسان برای یادگیری می پردازیم. انگیزش مبحثی بسیار وسیع است که حوزه های علایق، کنجکاوی، سلائق، نیازها و حتی حیطه عاطفی را در برمی گیرد. گرچه عامل وراثت و محیط باهوش و غنی سازی محیط آموزشی و بهبود روش های تدریس تا اندازه زیادی در بهبود وضع آموزشی تأثیر دارند ولی قلب آموزش انگیزش است انگیزش عامل کلی مولد رفتار به حساب می آید در حالیکه انگیزه را علت اختصاصی یک رفتار مشخص می دانند مثلاً وقتی می پرسیم که چرا فلان شخص رفتار خاصی را انجام می دهد بدنبال انگیزه اوهستیم. درواقع انگیزش حالت کلی تمایل به پیشرفت تحصیلی است

وانگیزه حالت اختصاصی نسبت به درس خاص می باشد. انگیزش هم هدف است و هم وسیله، بعنوان هدف ما از دانش آموزان و دانشجویان می خواهیم نسبت به موضوع های مختلف علمی و اجتماعی علاقه .کسب کنند از این رو ، تمام برنامه های درسی که در آنها فعالیت های حیطه عاطفی ملحوظ شده است دارای هدف انگیزشی هستند بعنوان وسیله انگیزش مانند آمادگی ذهنی یا رفتارهای ورودی، یک پیش نیاز یادگیری به حساب می آید و تاثیر آن بر یادگیری یکی از امور بدیهی است .

### فهرست منابع :

- ایرانی، هادی (۱۳۸۴).توصیف و اولویت بندی عوامل انگیزش و نشاط ی معلمان تربیت. بیژنی ، مسعود. (۱۳۹۰) بررسی مفهوم و جایگاه انگیزش و نشاط در برنامه های آموزش بزرگسالان . مجله کار و جامعه ؛ شماره ۱۱.ها. تهران: انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی.
- بحرانی محمود. (۱۳۸۴) مطالعه انگیزش تحصیلی دانش آموزان متوسطه استان فارس و عوامل همبسته با آن. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز.
- پارسا محمد. (۱۳۹۱) روانشناسی یادگیری بنیاد نظریه ها. تهران: انتشارات بعثت .
- پورصمد، حاتله. (۱۳۷۲). بررسی انگیزش و نشاط های ی معلمان کهگیلویه (دهدشت) .
- دانشخانه، فاطمه. (۱۳۷۳). رابطه میان میزان مقبولیت مدیران بارضایت ی معلمان.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۴). روانشناسی کاربردی برای مدیران درخانه ومدرسه، تهران.
- سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، نگاه دانش، چاپ دوم .
- سازمان نوسازی مدارس اصفهان. (۱۳۶۹). نشریه معیارهای ساختمان های آموزشی. اصفهان: واحد تحقیقات
- ساکي، رضا. (۱۳۷۲). نگرش معلمان در مورد علل شکست و موفقیت تحصیلی دانش آموزان وارتباط آن با میزان موفقیت آنان در تدریس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سیف ، علی اکبر. (۱۳۸۴) روانشناسی پرورشی روانشناسی آموزش و یادگیری . تهران . آگاه.
- شاه محمدی، نیره (۱۳۹۳). صلاحیت ها و شایستگی های آموزگار عصر حاضر، نشریه رشد.
- شکرکن، حسین (۱۳۸۱). بررسی روابط ساده و چندگانه عدالت سازمانی.
- شمس، محمدشهاب (۱۳۸۴) فناوری اطلاعات وارتباطات درعرصه آموزش معلمان، انتشارات کمیسیون.
- گال و بورگ. (۱۳۸۲). روش های تحقیق کمی وکیفی درعلوم تربیتی و روانشناسی، ترجمه احمدرضا نصرافهانی و همکاران، تهران: انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- ذوفن، شهناز و لطفی پور، خسرو. (۱۳۷۷). تولید و کاربرد مواد آموزشی (رسانه های آموزشی برای معلم). تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- صیامی، توحید. (۱۳۸۰). مدیریت کلاس درس. ماهنامه آموزشی - پژوهشی، تکنولوژی آموزشی.
- عبدالعلیان معصومه. (۱۳۷۸) روشهای تدریس و یادگیری در آموزش. بابل: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی بابل.
- رووف، علی (۱۳۷۹). بررسی جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، تهران .
- موسوی نسب ، سید رضا. (۱۳۸۸) تاثیر انگیزه بر یادگیری . مجله اسلام و پژوهش های تربیتی .